

السلام عليك يا رسول الله ورحمت الله وبركاته

بسم الله الرحمن الرحيم - الرحمن، علم القرآن، خلق الانسان، علمه البيان (آیه ۱-۱) سوره الرحمن

● قرآن؛

خورشیدی که هرگز غروب نمی کند

بیشتر است. چون کلامش جان دارد و جان نیز می دهد. حال اگر سخن، سخن خدا باشد دارای چگونه قدرت و نفوذی خواهد بود؟ کلامی که بر دوش فرشته وحی (جبرئیل امین) از عرش برین بر فرش زمین فرود آمده باید بر دل و جان آنکس قرار گیرد که خود جان کلام و لایق اخذ پیام باشد و آنکس جز خاتم انبیاء محمد مصطفی (ص) چه کسی می تواند باشد؟ آری هر سینه ای تاب تحمل این همه عظمت و سنگینی و این همه ایهت را نداشت باید بر کسی نازل می شد که آیه (الم نشرح لک صدرك) شامل حالش می شد. باید بر سینه کسی می نشست که سالها خود را آماده پذیرش این بار سنگین و گرانبها کرده بود. آری کلام الله مجید (قرآن کریم) که پروردگار عالم در آیه ۲۱ سوره الحشر درباره قدرت و عظمتش چنین می فرماید: «اگر این قرآن را بر کوهی نازل کرده بودیم آن کوه از شدت عظمت و قدرتش و از ترس خداوند فروتن و از شدت خشوع و خضوع از هم شکافته می شد. این مثل را برای مردم

پروردگار عالم پس از آغاز سخن با نام نامی خود، رحمت خویش را در سه چیز بیان می کند: تعلیم قرآن، خلقت انسان و علم بیان. همه اینها، برکات و نعمات الهی است که تنها به انسان ارزانی گشته است؛ زیرا همه اندوخته های علمی و آثار فکری و تربیتی و فرهنگی و تاریخی انسان از پدیده های بیان و کلام است و شاید از این جهت است که اول پیام خدا بر رسولش (آقره) بوده است. بخوان، که خواندن، خود بیان و گفتار است و سپس در آیه شریفه (ن والقلم وما یسطرون) خداوند قسم به قلم می خورد و آنچه می نویسد که خود وسیله بیان هر کلام است.

آری کلام، خود جان دارد و ارزش هر سخن به جان کلام است. گاه کلامی چنان در روح و جان شنونده اثر می گذارد که باعث تغییر حرکت تکاملی او گشته و در جان او جای می گیرد. تا بدانجا که اثراتش در جسم تجلی می کنند. هر چه قدرت فکری، علمی و ادبی گوینده کلام در سطح بالاتری باشد قدرت نفوذ کلامش

می‌زیسم باشد که تعقل و تفکر کنند.» آری قدرت و عظمت کلام وحی همین است و به همین دلیل است که خداوند عالم برای ارسال پیامش واسطه‌هایی قرار می‌دهد که تاب تحمل سنگینی کلام را دارند و آنان را مأمور ابلاغ به دیگران می‌کند که با زبانی ملایمتر که گوش و جان مردم با آن آشناست به آنان برسانند و واسطه بزرگترین کلام الهی (قرآن مجید) که بزرگترین معجزه رسول اکرم (ص) است حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله (ص) می‌گردد که اول شخص عالم اسکان است آن شخصیتی که وصفش در بیان قاهر ما نگنجد و فقط از کلام خدا می‌توان او را توصیف نمود.

آیات فراوانی از سوی خدا در عظمت و بزرگی و صفات عالیه آن بزرگوار نازل شده اما در اینجا تنها به چند آیه اکتفا می‌کنیم. در سوره ۳۴ آیه ۲۸ «وما ارسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون».

(وما ترا برای مردم سراسر جهان نفرستادیم مگر مرزده دهنده و بیم‌دهنده ولیکن بیشتر مردم نمی‌دانند).
 و در سوره ۲۱ آیه ۱۰۷ «وما ارسلنا الا رحمة للعالمین» (ما برای جهانیان ترا جز رحمتی نفرستادیم) سوره التکویر آیه ۲۵ (انه لقول رسول کریم ذی قوه عند ذی العرش مکین مطاع ثم امین) (به درستی که قرآن گفتار رسول بزرگی است که نزد صاحب عرش (خدا) مقامی والا دارد و مطاع و امین پروردگار است)... که این تصدیق خداوند است که رسول اکرم (ص) امین‌ترین، صادق‌ترین و شایسته‌ترین فرد بین مردم جهان است که برای دریافت وحی و گیرنده پیام الهی و رساندن و تمذیب کردن در حد درک و فهم مردم به انسانهاست و تنها کسی می‌تواند نماینده منتخب خدا در زمین باشد که برای به ثمر رساندن کلام خدا در تمام صحنه‌ها حضور داشته و در راه رسیدن به هدف نهائی مقاوم و استوار باشد. این بزرگترین و گرمای‌ترین رسول نزد خدا علاوه بر رساندن وحی در فراهم کردن زمینه کشت وحی و جان کلام خدا و به ثمر رساندن آن نیز کوششی به سزا

*** حضرت ختمی مرتبت (ص)، شخصیتی است که فقط در کلام خدا، می‌توان او را توصیف کرد.**

*** حضرت رسول اکرم (ص)، علاوه بر رساندن وحی، در فضایی تاریک و ظلمانی توانست چنان امتی بسازد که چشم جهانیان را با انقلاب خود خیره گرداند.**

داشت و برای انجام این مسئولیت بزرگی که به عهده گرفته بود چه رنجها و سختیها کشید و چه مشقتها و دشواریها و مرازها متحمل شد تا توانست با قدرت فوق بشری که داشت در مدتی کوتاه با زمینه های کاملاً نامتناسب و محیطی تاریک و ظلمانی از جهل و نادانی چنان امنی بسازد و چنان انقلابی در میان اقوام وحشی بوجود آورد و چنان کلام خدا (قولولاله الا الله تفلحوا) این شعار بزرگ اسلامی را در شعیر جاتهای آنها جای دهد که هرگز جهان در طول تاریخ چنین تحولی را به خود ندیده است. و چون قرآن مجید ختم کلام خدا و آخرین پیام است یقیناً باید پیام آورنده نیز ختم رسول و خاتم النبیین باشد و این نواج افتخار از طرف پروردگار قبل از خلقت عالم و آدم بر فرق مبارکش نهاده شده و همه انبیا و رسولان معرفت شناخت و معرفی آن بزرگواران را به امتهای خویش داشته اند. آری این سلاله پاک ابراهیم خلیل در میان بادیه نشینان عرب نادان و در آن صحرای سوزان عربستان که هیچگونه آثار فرهنگ و تمدن در آن دیده نمی شد، در میان آن اقوامی که در تاریکی جهل و ظلم و ستم و فسق و فجور و تحصیبات قومی و قبیله ای زندگانی را سپری می کردند و در جهانی که اگر در گوشه و کناری آثاری از تمدن بوده دستخوش هوی و هوسها و قدرت طلبی ها و خود کامگی ها قرار گرفته و به گفته قرآن کریم هر کلام به گونه ای به شرک و بت پرستی گرفتار بوده اند، با بهره گیری صحیح از قدرت وحی و کوشش فوق قدرت بشری در شوره زار اجتماع آن زمان با کشت بندر «الله» در درون جانها چنان امنی ساخت که چشم جهانیان را با انقلاب بزرگ خود خیره گرداند. حوادثی از این دست، جز در عالم معجزه الهی و اعجاز پیامبری اتفاق نخواهد افتاد.

آری رسول گرامی از طریق وحی مأمور شد که بعد از خود، نهال تازه ای را که در دلهای مردم کاشته و باید بارور و تناور شود، بدون باغبان نگذارد و برای حفظ شریعت و آئین رسالت، عزیزترین و گرامی ترین فرد بعد از خود را که زبده ترین مردم از خاندان وحی و نبوت

(علی علیه السلام) بوده مردم معرفی نماید.

گرچه به قاصله کوتاهی بعد از رحلت آن وجود مقدس، امت از هم پاشیده و روح برادری و برابری را از دست داد ولی وجود خاندان نبوت و عشرت مانع از این شد که زمینه های این نهفت از بین برود و بازماندگان وحی و پرچمداران هدایت (ائمه معصومین) با انواع مبارزات با جور و ستم خود کامان و مخالفین نهفت اسلامی با ایثار و فداکاریها و شهادتها و جان فشانیها توانستند «کتاب» و «سنت» - دورکن اساسی - را حفظ و سپس با اصل امامت به صورت سه اصل مسلم «کتاب»، «سنت» و «عشرت» به جامعه بشری به عنوان راهنما و هادی ارائه دهند تا پویندگان طریقت و تشنگان راه فضیلت بتوانند از آن اقیانوس بیکران به میزان توان سیراب گردند.

ولی با همه اینها از آنجا که طاغوتهای هر زمان در پی فرصتی هستند تا بتوانند با برداشتن موانع به امیال شوم و هوی و هوسهای نفسانی خود پرستند و در زمان حیات رسول اکرم (ص) نشناختند، بدین امید و در این اندیشه بودند که پس از رحلت رسول اکرم (ص) دیگر از اسلام و اسلامیان اثری نخواهد ماند و با بدست گرفتن دوباره زمام امور و پایمال کردن آیات الهی و احکام آن، این انقلاب عظیم را شکست دهند و آثارش را از بین برند. اما از آنجا که نور الهی در وجود شریف رسول خدا و عشرت آن بزرگواران تجلی کرده و نور خدا علاوه بر اینکه خاموش نشد روزه به روز متجلی گردید، دشمنان به آرزوی خود نرسیدند و با تمام نقشه های شوم، کشتارهای دسته جمعی، تبعید، اسارت و زندان کردن بزرگان و یاران پیامبر گرامی به قاصله کمی بعد از رحلت آن بزرگوار راه به جایی نبردند و فقط توانستند از جهل و بی خبری و ناآگاهی اکثر مردم سوء استفاده کرده و وحدت امت را تبدیل به تفرقه و گروه گرایی کنند تا قدرتی در برابر حکومتهای طاغوتی زمان نماند جنگ هفتاد و دو مملت همه را عذر بت چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

خلاصه قرنهاى متمادى بدین گونه گذشت. اما گاهى در گوشه و کنار تاریخ مردانى بزرگ از علما و فقهاء اسلامى برای ایجاد حرکتى جدید در بین امت و آگاه نمودن آنان قیام نمودند. ولی چون اطرافیان و یاران آنان اندک و ناچیز بودند با شکست روبرو و حرکت و قیام مقدس آنان مظلومانه در لابلای تاریخ مدفون گردید.

*** رحمت پروردگار، در تعلیم قرآن، خلقت انسان و علم بیان است.**

*** در عصر انقلاب شکوهمند اسلامى ابرمردى از سلالهٔ پاک پیامبرگرامى، دگرگونى و تحولى عظیم در دلهاى مردم ایجاد کرد و تاریخ صدر اسلام را تجدید نمود.**

تا اینکه عصر انقلاب شکوهمند اسلامى در کشور پهناورى که قرنها دستخوش طوفان حوادث قرار گرفته بود با رسالت ابرمردى از سلاله پاک پیامبرگرامى، حضرت امام (ره) چنان دگرگونى و تحولى در دلهاى مردم ایجاد نمود که چون خود، جان کلام بود، کلامش بر جانتها نشست و تاریخ صدر اسلام تجدید شد. ولی با یک تفاوت، و آن آمادگى امت و آگاهى آنان نسبت به زمان خویش بود که هر بارقه‌اى شعله‌ها برافروخت و با هر ندائى از طرف رهبر بزرگوار حضور در صحنه مى‌یافت. در این جا قصد آن نیست تا انقلابى که همه حاضر و ناظر بر عظمت آن بوده‌اند شرح داده شود فقط مى‌خواهیم به یک نکته اساسى توجه داده شود که همان گونه که در صدر اسلام دشمنان اسلام در انتظار رحلت رسول اکرم (ص) بودند، دشمنان انقلاب اسلامى ایران نیز در همین انتظار بوده و در این اتدیشه بودند تا با رحلت امام عزیز (ره)، دوباره یا تاراج منابع و منافع این ملت ستمدیده و زجرکشیده بتوانند در جهان آقایی کنند. اما دشمنان این آرزو را به گور برده و خواهند برد و با امدادهای غیبی و الطاف الهی و رهبری حکیمانه ولی فقیه و استقامت و دوراندیشی باران حضرت امام (ره) و یاری و یاورى امت شهیدپرور نه تنها به آرزوهای دور و دراز خود نرسیدند بلکه کوس رسوائى خویش را در جهان نواختند و حقایق دشمنیهای خود را با زبان خود بیان نمودند و آیه ۹ سوره شریفه «الصف» با صلابت و ایهتی خاص بر سر دشمنان و کفار و مشرکین فریاد برآورد که: «بیریدون لیظنوه اتوا لله بافواهم والله متم نوره ولو کره المشرکون».

اراده مى‌کنند نور خدا (قرآن و اسلام) را با زبانها و بیانها و وسایل ارتباط جمعی و... خاموش کنند اما خدا نورش را کامل کرده و خاموش شنى نیست ولو مشرکین دوست نداشته باشند و این همان خورشیدی است که هرگز غروب نکرده و نخواهد کرد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

گروه معارف اسلامى